

"Imamate-Based" Social Capital Theory Based on Shiite Teachings

Hamed Purrostami*

Associate Professor, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received: November 4, 2019 - Accepted: April 19, 2020)

Abstract

One of the major issues in sociology is the role of ideology and religious values in sociological theories and social phenomena. The most prominent example of these teachings is a statement by Lady Fatima (a), saying that Allah has asked people to follow Ahl al-Bayt (a) in order to establish the social system and set them as the leaders to prevent divisions. The hypothesis of this paper is that this statement is a reference to the theory of social capital underlying Imamate, as this article defines social capital theory as generalized theorems in a desirable social interactive network that has a reasoning consistency element. This element is the degree to which following the religious guardianship will introduce systemic order as well as psychological and behavioral security to the highest levels of social capital.

Keywords

Social capital, Lady Fatemeh (a), Imamate system, Cohesion, Social capital theory, Psychological security.

* **Corresponding Author, Email:** purrostami@ut.ac.ir

نظریه سرمایه اجتماعی «امامت محور» با تکیه بر آموزه‌های شیعه*

حامد پوررستمی**

دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱)

چکیده

یکی از موضوعات مهم در جامعه‌شناسی، نقش ایدئولوژی و ارزش‌های دین‌پایه بر نظریه‌های جامعه‌شناختی و پدیده‌های اجتماعی است. نمونه بارز این آموزه‌ها سخن حضرت فاطمه زهرا^(س) است مبنی بر اینکه «فجعل الله ... طاعتنا نظاماً للملئ و إمامتنا أماناً من الفرقه». خداوند پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظام اجتماعی و رهبری ما را عامل در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است. فرضیه مقاله بدین سمت رفته است که این سخن ناظر به «نظریه سرمایه اجتماعی امامت‌پایه» است. زیرا، در این نوشتار نظریه سرمایه اجتماعی به قضایای تعمیم‌یافته در شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی تعریف شده است که از یک عنصر قوام‌بخش تعلیلی برخوردار است و این عنصر تعلیلی ولایت‌پذیری جامعه است که موجبات نظام‌بخشی و امنیت روانی و رفتاری را در عالی‌ترین مراتب سرمایه اجتماعی تحقق خواهد بخشید. در این نظریه نوع رابطه میان متغیر امامت و سرمایه اجتماعی از نوع علی و رویکرد تبیینی است؛ نه آنکه تنها رابطه همبستگی از نوع مستقیم وجود داشته باشد. دلایلی مانند ظهور کلام، قواعد ادبی و لغوی، و همچنین شواهد تاریخی، همگی، دلالت بر وجود رابطه‌ای علی (نه همبستگی) دارد. روش تحقیق تحلیل محتوا با ابزار فیش است که با رویکرد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژگان

امنیت روانی، انسجام، حضرت فاطمه زهرا^(س)، سرمایه اجتماعی، نظام امامت، نظریه سرمایه اجتماعی.

* این مقاله حاصل پژوهش نویسنده در دوره شش ماه مأموریت پژوهشی عراق و ایران بوده است.

** رایانامه نویسنده مسئول: purrostami@ut.ac.ir

مقدمه

اگرچه در گذشته در زمینه نقش دین و ایدئولوژی در جامعه و تفکرات جامعه‌شناسی تردیدهایی وجود داشت، امروزه نظریه‌های جامعه‌شناسی و پدیده‌های اجتماعی این نقش‌آفرینی را امری روشن ساخته‌اند. در واقع، میان ایدئولوژی و نظام اجتماعی رابطه‌ای محکم و ناگسستنی وجود دارد که به شرایط زندگی محیطی او مربوط نیست، بلکه اساساً نظام اجتماعی و کنش‌های آن زاینده طرز فکر جامعه است. نظامی که بر اساس یک ایدئولوژی پایه‌گذاری نشود نظامی ساختگی و ناپایدار است. در واقع، همچنان که بشر به یک نظام اجتماعی نیازمند است به یک ایدئولوژی و جهان‌بینی مطلوب نیز احتیاج دارد.

به باور آنتونی گیدنز، رویکردهای جامعه‌شناختی به دین، هنوز، به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های سه نظریه‌پرداز کلاسیک جامعه‌شناسی، یعنی مارکس و دورکیم و وبر، است. هیچ‌یک از این سه جامعه‌شناس مذهبی نبودند و همگی فکر می‌کردند اهمیت دین در دوران امروزی کاهش خواهد یافت. چرا آن‌ها بر این باور بودند که مذهب اساساً یک توهم است؟ زیرا طرفداران مذاهب مختلف ممکن است به‌طور کلی در مورد اعتبار اعتقاداتی که دارند متقاعد شده باشند. اما، گیدنز در ادامه می‌نویسد: «اما اصل گوناگونی مذاهب و ارتباط آشکارشان با انواع مختلف جامعه این اعتبار را زیر سؤال می‌برد.» (گیدنز ۱۳۷۶: ۵۰۲). به دیگر بیان، تجربه و مشاهدات معاصر نشان می‌دهد ایدئولوژی و دین (اعم از خوب یا بد) تأثیر و ارتباطی روشن و مؤثر در فرایندهای اجتماعی دارند و این موضوع که اهمیت دین در آینده کاهش خواهد یافت نظریه درستی نبوده است. چون اساساً همواره تفکرات متافیزیکی و اعتقادات ماورایی نقش خود را بر روندها و کنش‌های اجتماعی داشته و دارند.

علاوه بر این، دانشمندی مانند دورکیم، اگرچه خود ایمان دینی نداشت، دلایل خوبی در دست داشت تا به اهمیت دین در ارتباط با رفتار اخلاقی معترف باشد. زیرا خود در محیط مذهبی متعصبی بزرگ شده بود. دورکیم، بر مبنای علاقه‌اش به تنظیم اجتماعی، اعتقاد داشت که جامعه، به منزله نیروی نظارت درونی، باید در درون فرد حضور داشته باشد و دین یکی از نیروهای ایجاد التزام اخلاقی در برابر خواست‌های جامعه است (کوزر ۱۳۸۶: ۱۹۶). از منظر وبر نیز جنبش‌های

ملهم از دین غالباً موجب دگرگونی‌های شگرفی شده‌اند و دین یک پدیده صرفاً معلول نیست؛ برعکس، دین نقشی اساسی در پیدایش سرمایه‌داری در غرب و در عدم رشد آن در دیگر نقاط جهان داشته است (ریترز ۱۳۸۹: ۳۵).

در آموزه‌های اسلامی نیز این موضوع به‌خوبی پیدا و پدیدار است؛ همچنان که می‌توان در خطبه حضرت زهرا^(س) به‌وضوح تأثیر شگفت‌انگیز مکتب اسلام (مجموعه‌ای از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها) را در تحول و دگرگونی جامعه و خرده‌سیستم‌های مختلف آن مشاهده کرد. حضرت می‌فرماید: «وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقِّقَةَ الشَّارِبِ، وَ نَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيءَ الْأَفْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَدِلَّةَ خَاسِنِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّيْلِ وَ النَّوَى، وَ بَعْدَ أَنْ مَيَّتَ بِهِمُ الرَّجَالُ، وَ دُوبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.» (علم‌الهدی ۱۴۱۰: ۶۹)؛ و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشتید و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را به دست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگ‌های عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتی‌ها کشیدید.

طبق سخن حضرت، دین اسلام توانست تحول شگرفی را برای جامعه آن روز رقم زند و مؤلفه‌های راهبردی و مهمی همچون عزت ملی، امنیت اجتماعی، فرهنگ عمومی را ارتقا بخشد و سطح و سبک زندگی مردم را متحول کند. ازین‌رو، نقش آموزه‌های دینی و ارزشی در نظام اجتماعی و فکری پوشیده نیست.

بیان مسئله

اینکه دین در مقوله وحدت و انسجام اجتماعی نقش‌آفرین است سخن تازه‌ای نیست و دین‌پژوهان و جامعه‌شناسان اشارات و نظریاتی در این باب ارائه کرده‌اند. اما اینکه آموزه‌های دینی از حیث

روش‌شناسی علوم اجتماعی بتواند در تولید و عرضه نظریه‌های جامعه‌شناختی نقش برجسته داشته باشد کمتر بدان پرداخته شده است.

این مهم مستلزم آن است که ابتدا تقریر و تبیینی در زمینه مفهوم نظریه در جامعه‌شناسی و شاخه‌های مرتبط (علل‌یابی منجز و اطمینان‌بخش آزمایشی، پیمایشی، میدانی، و حیانی) داشته باشیم. متأسفانه در جامعه‌شناسی غرب‌محور، که امروزه بر دانشگاه‌های کشور چیرگی یافته است، تنها سه روش و معیار آزمایشی، پیمایشی، میدانی ملاک اعتبار علت یا علل در تحلیل پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌شود و به روش و معیار آموزه‌های و حیانی و دینی در کشف و تولید نظریه‌های جامعه‌شناختی توجهی نمی‌شود. البته، نباید از جامعه‌شناسی غرب‌محور و سکولار چنین انتظاری داشت. چون مبانی و اصول جامعه‌شناسی سکولار اساساً آموزه‌های دینی را در حیطه علم و گزاره‌های علمی قلمداد نمی‌کند و طبیعی است که اعتنا و توجهی هم به این آموزه‌ها نخواهد شد.

نظریه در دو مکتب سکولار و اسلامی

روش‌های ارزیابی نظریه در جامعه‌شناسی اسلامی	روش‌های ارزیابی نظریه در جامعه‌شناسی سکولار
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input checked="" type="checkbox"/> تحلیل محتوای متون دینی	<input checked="" type="checkbox"/> پیمایشی
<input checked="" type="checkbox"/> پیمایشی	<input checked="" type="checkbox"/> آزمایشی
<input checked="" type="checkbox"/> آزمایشی	<input checked="" type="checkbox"/> میدانی
<input checked="" type="checkbox"/> میدانی	

در جامعه‌شناسی غربی قوام یک نظریه تنها بر اساس شواهد تجربی و میدانی و پیمایشی است، چرا آنها اساساً از این منابع دینی شیعه یعنی قرآن و سنت محروم هستند ولی جای شکفت است که چرا در جامعه‌شناسی ایران اسلامی از منابع و مبانی و معارف شیعی در تبیین و تحلیل رفتارها و پدیده‌ها و کنش‌های اجتماعی استمداد نمی‌شود!

در زمینه موضوع سرمایه اجتماعی نیز همین وضعیت وجود دارد. به سؤالات و ابهامات حوزه سرمایه اجتماعی سعی می‌شود بر اساس فیزیک جامعه، یعنی مشاهدات تجربی و میدانی و حداکثر پیمایشی، پاسخ داده شود و در این میان جایگاه دین و آموزه‌های و حیانی در تبیین ابعاد فراروی سرمایه اجتماعی خالی یا کم‌رنگ است.

پیشینه تحقیق

نخستین بار، هانی فان، از دانشگاه ویرجینیای غربی، موضوع سرمایه اجتماعی را، قبل از سال ۱۹۱۶ میلادی، در مقاله خود مطرح کرد. اما، به‌رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی، تا سال ۱۹۶۰ میلادی، که جین جاکوب در برنامه‌ریزی شهری آن را به کار برد، شکل جدی به خود نگرفت. در دهه ۱۹۷۰، این تئوری را لوری وارد عرصه اقتصاد کرد. لوری از تئوری سرمایه اجتماعی برای انتقاد از نظریات نئوکلاسیک و ناعادلانه بودن توزیع درآمد استفاده کرد. امروزه نیز دانشمندان و نظریه‌پردازانی همچون جمیز کلمن (۱۹۶۶)، گلن لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰)، و ... تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. مثلاً، پیر بوردیو سه نوع سرمایه را شناسایی کرد که عبارت‌اند از: اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی. او سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می‌دانست که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند در کنار سرمایه فرهنگی ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (الوانی و سیدنقوی ۱۳۸۱: ۹ - ۲۶).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این دیدگاه آخر در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارت دیگر، از دیدگاه بوردیو، اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت. اما جمیز کلمن، برخلاف بوردیو، برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی (و نه صرفاً ذهنی و نظری) از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. بنابراین، کلمن، برخلاف بوردیو، که «سرمایه اقتصادی» را هدف نهایی در نظر گرفته بود، «سرمایه انسانی» را مهم‌تر دانست و سرمایه اجتماعی را ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد. پوتنام نیز یکی دیگر از محققان اخیر سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها، و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های مختلف

سیاسی می‌دانست و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود (الوانی و سیدنقوی ۱۳۸۱: ۹ - ۲۶؛ حدیث زندگی، ۲۷).

اگرچه نگاه جامعه‌شناسانی مانند کلمن و پوتنام به مقوله سرمایه اجتماعی معقول‌تر و متعالی‌تر از نگاه بوردیو به نظر می‌رسد، وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین نگاه نظریه‌آمیز به مقوله سرمایه اجتماعی بر اساس آموزه‌های شیعه است.

از سوی دیگر، تا جایی که نویسنده بررسی کرد، چنین رویکردی در آثار دانشمندان به چشم نمی‌خورد. به دیگر بیان، مقوله «نظریه سرمایه اجتماعی بر پایه گزاره‌های دینی» پیشینه تاریخی و تحقیقی چندانی ندارد. زیرا اساساً ظرفیت‌ها و زمینه‌های این رویکرد در جامعه‌شناسی سکولار وجود ندارد و این مهم انگیزه پردازش به این مقوله را پررنگ‌تر می‌کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر بر پایه پارادایم تشنگی علوم اجتماعی به آموزه‌های دینی استوار است؛ یعنی نظریه‌های جامعه‌شناسانه، مانند نظریه سرمایه اجتماعی، چه از حیث نظریه بودن چه از حیث تبیین نظریه، بیش از هر چیز نیازمند تبیین‌های وحیانی دین است. در واقع، تأثیر روشن دین و آموزه‌های اسلامی بر جامعه‌شناسی و پدیده‌های اجتماعی ایجاب می‌کند ظرفیت‌ها و روش‌های تأثیرگذاری و جهت‌دهی مطلوب آموزه‌های دینی بر جامعه بیش از پیش مورد توجه و بررسی قرار گیرد. محققان اجتماعی در تحقیقات خود دو نوع سؤال بنیادین را مطرح می‌کنند:

۱. اوضاع چگونه است؟ این سؤال ناظر به تحقیق توصیفی است که این توصیف می‌تواند عینی یا انتزاعی باشد و منجر به طرح پرسش‌های چرایی تحقیق تبیینی شود.

۲. چرا این‌گونه است؟ این سؤال ناظر به تحقیق تبیینی است که محور این‌گونه تحقیقات پرسش‌های چرایی است و پاسخ دادن به پرسش‌های چرایی مستلزم ارائه تبیین‌های علی است.

بر اساس همین دو پرسش می‌توان سراغ آموزه‌های اهل بیت رفت و پاسخ‌های مورد نیاز را دریافت کرد. به دیگر بیان، پرسش‌هایی که در زمینه چیستی و چرایی در حوزه جامعه‌شناسی و پدیده‌های اجتماعی مطرح می‌شوند با پاسخ‌های خوب و عمیق آموزه‌های دینی مواجه می‌شوند. بنابراین، چیستی و چگونگی نظریه سرمایه اجتماعی در این چارچوب نظری از پیشینه چندانی برخوردار نیست.

روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار روش ترکیبی نقلی و عقلی است که در تفکر شیعه دو منبع گران‌سنگ در حجیت‌بخشی داده‌های دینی و علمی است. اما روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و بر پایه تحلیل محتوای آموزه‌های شیعی است. ابزار گردآوری نیز فیش است.

مفاهیم بنیادین

«نظریه» در جامعه‌شناسی

به باور دانشمندان «نظریه» در جامعه‌شناسی دو معنای اصلی دارد:

یکی نظریه به معنای خاص کلمه، که مانند علوم طبیعی از روی یک چارچوب فرانتزیه‌ای، که به مثابه راهنمای تأسیس آن‌ها به کار می‌رود، تنظیم می‌شوند، و دیگری نظریه به معنای پارادایم، که در اینجا به معنای مجموعه‌ای از قضایا یا فرضیات فرانتزیه‌ای به کار می‌رود و بیشتر به زبان رمز برای مطالعه واقعیت‌های اجتماعی مورد استفاده واقع می‌شود. از این قضایای مرتبط می‌توان نتایجی را استنتاج کرد که اصولاً با واقعیت مواجه می‌شوند. مفهوم نظریه، آن‌گونه که در جامعه‌شناسی به کار می‌رود، از طرفی شامل حقایقی می‌شود که بهتر است پارادایم نامیده شود و از طرف دیگر نظریه به معنای خاص را در بر می‌گیرد (بودون و بوریکو ۱۳۷۴: ۶۷).

اما به نظر می‌رسد نظریه به معنای خاص کلمه به طور عمده شامل فرضیه‌ای شود که محور آن بر اساس علیت است. یعنی به علت و چرایی یک پدیده می‌پردازد؛ مانند نظریه جاذبه زمین که روح آن ناظر به علت این جاذبه است. ولی در نظریه به معنای دوم بیشتر گزاره‌ها و قضایا نقش محوری ایفا می‌کنند؛ یعنی مجموعه‌ای از چند گزاره که می‌تواند منجر به ترسیم و تولید یک قانون شود.

نکته دیگر آنکه نظریه‌های اجتماعی غالباً بر پایه دو سؤال شکل می‌گیرند. نظریه‌ها یا اسقراپی هستند، که از مشاهدات و شواهد به نظریه منجر می‌شوند، یا قیاسی هستند، که نظریه اولیه در مقام فرضیه ارزیابی می‌شود (دواس ۱۳۹۲: ۱۹ - ۲۲). گفتنی است در علوم اجتماعی و رفتاری امروز نظریه علمی یک حدس، گمان، یا پیشنهاد نیست؛ بلکه بر دانش قابل اعتماد، که واقعیت علمی را می‌سازد، بنا شده است و هدف آن توضیح فرایندهای طبیعت یا پدیده‌های اجتماعی است. همین شاخصه ما را به اهمیت بیش از پیش آموزه‌های دینی و وحیانی در ارائه نظریه‌ها بیشتر راغب می‌کند. چون مهم‌ترین

شاخصه آموزه‌های دینی اهل بیت اعتبار و اعتماد گزاره‌هاست. زیرا به منبع و حیانی معصومان‌ای متصل‌اند (دلایل و مستندات عقلی و نقلی این موضوع در علم کلام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد). در جامعه‌شناسی غربی قوام یک نظریه بر اساس شواهد تجربی و میدانی و پیمایشی است و بهره‌ای از گزاره‌های علمی وحی بیانی و قرآنی گرفته نمی‌شود. چون آن‌ها اساساً از این منابع دینی شیعه، یعنی قرآن و عترت، محروم‌اند. ولی جای شگفت است که در جامعه‌شناسی ایران اسلامی نیز از منابع و مبانی و معارف اسلامی و شیعی در تبیین و تحلیل رفتارها و پدیده‌ها و کنش‌های اجتماعی استمداد نمی‌شود. آیا اعتبار این آموزه‌ها از فرم‌های تکمیل‌شده پیمایشی ضعیف‌تر و کمتر است؟ آیا ارتباط آموزه‌های دینی با پدیده‌های اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی کم‌رنگ است؟

این در حالی است که حسب آموزه‌های دینی، منابع دین ظرفیت و قابلیت سترگی برای پاسخ‌گویی و تبیین ابهامات علمی و عملی جامعه انسانی دارند؛ از جمله آیه شریفه «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» است که خداوند تصریح می‌کند ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

اگر نگوئیم که قرآن در علوم طبیعی تبیان برای هر چیزی است، این ادعا را در علوم انسانی، مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، می‌توان کرد؛ به‌خصوص آنکه در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند چیزی که مورد نیاز مردم بوده است کم نگذارده؛ تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازمندی‌های بشر را خدا در آن نازل کرده است.» (حویزی ۱۴۱۲ ق، ۳: ۷۴۰). یا در حدیث دیگری از امام باقر (ع) آمده است: «خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است در کتابش فروگذار نکرده و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی برای آن نهاده و برای هر کسی که از این حد تجاوز کند حد و مجازاتی قائل شده است.» (حویزی ۱۴۱۲ ق، ۳: ۷۴۰).

بنابراین، آموزه‌های دینی می‌تواند نقش راهبردی در تولید نظریه‌های اجتماعی در هر دو معنای آن داشته باشد. چون در نظریه به معنای خاص کلمه نظریه ناظر به روابط و قواعد منطقی با یک‌دیگر، در ارتباط، و شامل گزاره‌هایی است که بیانگر رابطه علت و معلولی پدیده‌هاست و یکی

از بخش‌های مهم متون دینی ناظر به تعلیل و علت‌یابی حقایق و پدیده‌های جهان و جامعه است. در معنای دوم هم نظریه جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی پدیده‌ها را تبیین کرد و سیری گذرا در آموزه‌های دینی حکایت از کدها و فیش‌های ارزنده در این باب دارد (اشرف ۱۳۸۶: ۱۰).

حسب آنچه گذشت، تعریف مختار نویسنده از نظریه چنین است: «قانون و قضایای تعمیم‌یافته در جامعه‌شناسی که از عنصر قوام‌بخش تعلیل و رابطه علی برخوردار است و تعریفی ترکیبی از تعاریف فوق می‌تواند باشد.»

نظریه سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به یکی از واژگان پرگفت‌مان در عصر حاضر تبدیل شده است. اهمیت استراتژیک این مقوله باعث شده برخی دانشمندان از سرمایه اجتماعی به منزله نوعی «علاج همه مشکلات» در جامعه مدرن یاد کنند (Portes 1998: 1-24). این اصطلاح مفهومی در جامعه‌شناسی است که در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و خرده‌سیستم‌های اجتماعی به منظور ترسیم کیفیت تعاملات انسانی از آن استفاده می‌شود.

مقاله ال. جی. هانی‌فان در سال ۱۹۱۶ درباره حمایت‌های محلی از مدارس روستایی یکی از اولین موارد استفاده از عبارت «سرمایه اجتماعی» در اشاره به همبستگی اجتماعی و سرمایه‌گذاری فردی در جامعه است. هانی‌فان سرمایه اجتماعی را با اقلام مادی مقایسه می‌کند. منظور املاک، دارایی‌های شخصی، یا پول نیست. منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیای محسوس در زندگی روزمره مردم بیشتر به حساب بیایند؛ یعنی حسن‌نیت، دوستی، حس همدردی، و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد یا خانواده‌ها، که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. وی ادامه می‌دهد اگر شخصی با همسایه‌اش ارتباط برقرار کند و به تعاقب آن دو با دیگر همسایگان ارتباط برقرار کنند، در این حالت، انباشتی از سرمایه اجتماعی به وجود خواهد آمد که فوراً نیازهای شخصی آن‌ها را برآورده می‌کند و حتی می‌تواند باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در کل آن اجتماع شود. درحالی‌که کل اجتماع از همکاری اجزایش منتفع می‌شود، خود افراد نیز از مزایایی [همچون] مساعدت، همدردی، و دوستی با همسایگان بهره‌مند خواهند شد (Hanifan 1916: 130-138).

جیمز کلنن نیز سرمایه اجتماعی را از دیدگاه عملی چنین تعریف می‌کند: «تنوعی از موجودات با دو عنصر مشترک؛ یعنی همه آنها بخشی از ساختارهای اجتماعی را شامل می‌شوند و بعضی از فعالیت‌های عاملان را در آن ساختار تسهیل می‌کنند. این بدان معناست که سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که از شبکه روابط، اعتماد، حس عمل متقابل، و هنجارهای اجتماعی ناشی می‌شود و فعالیت فردی یا اجتماعی را تسهیل می‌کند (Foley & Edwards 1997: 550-561).

آنچه می‌توان از قدر مشترک تعاریف سرمایه اجتماعی استخراج کرد نوعی ساختار و شبکه تعاملی مطلوب است که بر اساس ارزش‌های انسانی بنیان نهاده شده است. نکته مهم در این اصطلاح ایده اصلی آن، یعنی «شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش»، است. این شبکه‌های ارزش محور از آنجا با مقوله آموزه‌های دینی پیوند می‌خورد که اساساً ماهیت و خاصیت حقیقی آموزه‌های دینی ارزش‌ها و منش‌های متعالی و الهام‌بخش هستند که متأسفانه جای این مقوله در پیشینه تحقیقات سرمایه اجتماعی خالی است.



به باور نویسنده می‌توان سرمایه اجتماعی را نوعی شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی تعریف کرد که این مطلوبیت در گرو تحقق آموزه‌های علمی و عملی و حیانی و الهی در جامعه است. حسب آنچه تاکنون گذشت، نظریه قانون و قضایای تعمیم‌یافته در جامعه‌شناسی بوده که از عنصر قوام‌بخش تعلیل و رابطه علی برخوردار است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی نیز به نوعی شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی تعریف شد. بر این پایه، نظریه سرمایه اجتماعی قضایای تعمیم‌یافته در شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی است که از یک عنصر قوام‌بخش تعلیلی برخوردار است. حال سؤال اینجاست که این عنصر قوام‌بخش تعلیلی در نظریه سرمایه اجتماعی چیست و آموزه‌های شیعی چه کمکی می‌تواند بکند؟

در علوم اجتماعی، منظور از تبیین توضیح علت وقوع یک واقعه و استنتاج آن طبق قواعد منطق قیاس از قوانین کلی‌تر است. در تبیین ابتدا باید یک واقعه یا پدیده را (مثلاً پدیده سرمایه اجتماعی) معلول بپنداریم و در پی یافتن علت آن باشیم که این علت از قوانین کلی‌تر استنتاج یافته است (رفیع‌پور ۱۳۷۴: ۱۱۳). تبیین از مقوله مباحث نظری است که محقق در هدایت جریان الگوی نظری در تحقیق از آن سود می‌برده و اساساً یکی از اهداف اصلی نظریه و چارچوب نظری در تحقیق است. به دیگر بیان، نوع پرسشی که درباره سرمایه اجتماعی به آموزه‌های اهل بیت عرضه می‌شود پرسشی تبیینی است که علت یا علل اصلی پیدایش انسجام و سرمایه اجتماعی را می‌جوید. طبق تعاریفی که گذشت، پاسخ به این پرسش منتهی به نظریه‌ای علمی (تبیین‌محور) می‌شود که همان نظریه سرمایه اجتماعی است. در این نظریه علمی دو شاخصه مهم است؛ یکی شاخصه اعتبار که باید بر پایه دانش قابل اعتماد (مانند اسناد معتبر، پیمایش، آزمایش، و ...) استوار باشد^۱ و دوم شاخصه چرایی که ناظر بر چگونگی و علت یک پدیده، یعنی همان تبیین، است.

همان‌طور که اشاره شد شاخصه اعتبار در تحقیقات اسنادی به اعتبار سند برمی‌گردد و اگر این سند به‌درستی به اهل بیت منتهی شود (در صورت صحت زنجیره سند یا اعتبار منبع نقل) نزد شیعه حجت است که اثبات این بحث مجال دیگری را می‌طلبد. اما شاخصه دوم نظریه علمی در

۱. همان‌طور که گذشت، جامعه‌شناسی سکولار غرب از دانش و دلیل اسناد معتبر دین، آن‌گونه که شیعه معتقد است، بی‌بهره است. ولی شیعه از این عنصر سترگ در جامعه‌شناسی بهره‌مند است؛ اما متأسفانه بهره چندانی نمی‌برد.

اینجا بررسی رابطه تبیینی یا علی در مقوله انسجام و سرمایه اجتماعی است؛ علتی که باعث می‌شود اجزا و سیستم جامعه هماهنگ و واحد کار کند.

عنصر قوام و کمال نظریه

بعد از رحلت نبی اکرم (ص)، حضرت صدیقه (س) خطبه شگفت‌انگیزی را در مسجد النبى ایراد فرمودند که از ظاهری انیق و باطنی عمیق برخوردار است. اگرچه این خطبه به خطبه فدک معروف شده است، باید گفت این نام‌گذاری دقیق نیست. زیرا تنها بخش کوچکی از خطبه به موضوع فدک اشاره دارد و بخش عمده و غالب آن به معارف و احکام الهی، جایگاه نبوت و ولایت، و همچنین بایدها و نبایدهای امت می‌پردازد؛ از جمله آنکه در فرازی از این خطبه آمده است: «فجعل الله ... طاعتنا نظاما للملة و إمامتنا أمانا من الفرقة.» (طبرسی ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۵۸)؛ خداوند پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظام اجتماعی در امت اسلامی و امامت ما را عامل در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.

این فراز به معلول‌هایی مانند «نظام‌یافتگی» و «امنیت» و «انسجام» اشاره می‌کند که وجود آن‌ها در هر جامعه‌ای از اهمیتی راهبردی و حیاتی برخوردار است و با مقوله سرمایه اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارد. تبیین و تشریح بحث چنین است:

طاعت نظام‌بخش

در بخش اول خطبه حضرت زهرا (س) آمده است: «طاعتنا نظاما للملة.» واژه «طاعت» از ریشه «طوع» (ضد گره) به معنای «فرمان بردن» (ابن فارس ۱۴۲۲: ج ۳، ۴۳۱) همراه با خضوع و رغبت است (راغب اصفهانی ۱۴۲۶: ۵۲۹). در تفاوت «اطاعت» با «اتباع» و «اجابت» گفته‌اند اطاعت فرمانبری از موجودی برتر است، درحالی‌که اتباع مطلق پیروی با فرمان یا بدون فرمان و اجابت درخواست موجود زیردست است (مصطفوی ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۷۷).

اما این اطاعت و پیروی از تقلین موجب پیدایش پدیده‌ای به نام نظام می‌شود. نظام در لغت به این معنا آمده است: «الخیط الذی ینظم به اللولو و کل خیط ینظم به لولو او غیره فهو نظام.» ریسمان و رشته‌ای که با آن دانه‌های مروارید و نظایر آن را به رشته می‌کشند (ابن منظور ۱۴۰۵: ذیل «نظم»). ازین‌رو، در واژه نظام مفهوم انسجام و نوعی از شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی نهفته

است که دقیقاً ناظر به ماهیت سرمایه اجتماعی است. نظام‌یافتگی یک جامعه بر اساس امر ولایت در بروز و ظهور سه ویژگی تنظیم، تسهیل، ترفیع شبکه تعامل رفتاری مردم با یکدیگر کمک می‌کند.

شاید بر همین اساس باشد که کلمن گفته است سازمان اجتماعی سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانست به دست آید یا با هزینه زیادیتری ممکن بود به دست آید تسهیل می‌کند (کلمن ۱۳۷۷: ۴۶۴). چنان که گفته‌اند نظام مجموعه‌های مرتبط هدفمند را معنا می‌دهد و آن‌ها را تبیین و تحلیل می‌کند و قادر است مبنا، مقصد، روش، و مراحل را مشخص کند (پورسید آقایی ۱۳۸۹: ۹۱).

نکته جالب آنکه دقیقاً یکی از تعبیرات و توصیفاتی که امام رضا^(ع) درباره امامت به کار می‌برند تعبیر «نظام» است. امام می‌فرماید: «إن الامام زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین.» (نعمانی ۱۴۲۸: ۲۲۶؛ بحرانی ۱۳۸۶: ۳۱۴). یعنی آن رشته اتصال و انسجام میان خداوند متعال و بندگانش نظام و راهبرد امامت است که در واقع نقش انسجام‌بخشی و سرمایه‌آفرینی اجتماعی در جامعه را دارد. در اینجا نیز حضرت صدیقه^(س) پیروی و اطاعت از اهل بیت را مایه نظام و انسجام یک ملت برمی‌شمارد.

این موضوع در جامعه‌شناسی امروز بسیار حائز اهمیت است. برای واقف شدن به نقش و کارکرد ایدئولوژی در ایجاد انسجام و سرمایه اجتماعی، با نگاهی ابتدایی به ماهیت نظام‌های اجتماعی، می‌توان شاهد بود که جوامع و اجتماع‌های بشری در ذات خود دارای تکثر و تشتت و اختلاف هستند. برای کاهش این اختلافات و ایجاد یکپارچگی در افراد جامعه، ایدئولوژی بهترین مددکاری است که کارشناسان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برای این امر به کار می‌گیرند. این موضوع باعث می‌شود به جایگاه اهل بیت از حیث جامعه‌شناختی بیشتر توجه شود. چون اطاعت از آن‌ها رمز نظام‌بخشی و انسجام‌دهی به جامعه قلمداد شده است. زیرا اگر مبنای منش و بینش و ارزش‌های یک جامعه بر اساس اطاعت و پیروی از مرجعی متعالی و یکپارچه، به نام ولایت، باشد، تردیدی نیست که شبکه تعاملی جامعه به سوی وحدت، صداقت، محبت، و امنیت پیش خواهد رفت. در تفکر شیعه، سرمایه معرفتی و اجتماعی در پرتو آموزه‌های قرآن و اهل بیت و

طاعت و فرمانبری صحیح از آن‌ها نهفته است که این موضوع از حیث رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی علت انسجام و خلق سرمایه اجتماعی است. در واقع توجه به ضمیر «نا» در «طاعتنا» قابل اعتناست. بدین معنا که آنچه سبب ایجاد نظام منسجم و هماهنگ در میان ملت می‌شود و شبکه تعاملی مطلوب و ارزشی را میان اعضای جامعه رقم می‌زند هر اطاعت و تبعیتی نیست؛ بلکه اطاعت از آموزه‌های ناب اهل بیت است. وگرنه فاصله گرفتن از محور ثقلین، نه تنها موجب انسجام نمی‌شود، بلکه موجب نابسامانی و تشتت امور هم می‌شود.

امامت وحدت‌آفرین

در ادامه، حضرت صدیقه سخن خویش را تکمیل می‌فرماید؛ یعنی به یکی از آثار مهم اطاعت از نظام ولایت که همان مصونیت از تفرقه و درگیری است اشاره می‌کند: «... و إمامتنا أمانا من الفرقة.»
سؤالی که ممکن است ایجاد شود آن است که چرا حضرت پس از واژه «طاعتنا» به واژه «امامتنا» اشاره کرده‌اند؟ رابطه این دو واژه کلیدی چیست؟ در پاسخ می‌توان چنین گفت که طاعت و پیروی از اهل بیت در قالب راهبرد امامت صورت می‌گیرد. از حیث لغوی امامت به همان معنای رهبری و پیشوایی و اقتدا به کار می‌رود (فراهیدی ۱۴۰۹؛ جوهری ۱۴۰۷: ذیل «امم»). اما، از حیث اصطلاحی، در تعریف واژه امامت و رهبری تفاوت وجود دارد. در اصطلاح علم مدیریت، رهبری را تأثیرگذاری بر افراد در انجام دادن وظایفشان با میل و علاقه (الوانی ۱۳۸۶: ۱۰۹) یا تأثیرگذاری بر افراد برای تحقق هدف مشترک (هرسی ۱۳۷۹: ۷۱) تعریف کرده‌اند.

شهید مطهری، با نگاه مدیریتی و راهبردی، رهبری جامعه را فن بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی معنا کرده است (مطهری ۱۳۷۵: ۲۳۵) که همه این امور و مفاهیم در قالب اصل طاعت و پیروی معنا می‌یابد. اما، از حیث کلامی، رهبری و امامت جامعه ریاست و سرپرستی عمومی مردم در امور دین و دنیا به نیابت از پیامبر (بحرانی ۱۳۸۶: ۴۱) یا ولایت در تصرف امور دینی و دنیایی امت تعریف شده است (معتزلی ۱۹۶۵: ۷۵۰). خاطرنشان می‌شود در فرهنگ اسلامی رهبری و امامت جامعه امری فرامدیریتی و فراسیاسی است و طبق

حدیث رضوی منزلت انبیا و خلافت خدا و رسولش است^۱ و یک عهد و پیمان آسمانی و معنوی میان خداوند و امام قلمداد شده است^۲ و مسائلی نظیر تأثیرگذاری هدفمند و هنر بسیج کردن و سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی فقط بخشی از کارکردهای این عهد است.

بنابراین، ایجاد وحدت و جلوگیری از تفرقه و اختلاف یکی از کارکردها و معلول‌های نظام طاعت و امامت اهل بیت است که خود می‌تواند یکی از مصادیق بارز و مهم سرمایه اجتماعی در یک جامعه باشد. با نگاه راهبردشناسانه به امامت، می‌توان آن را نظام و برنامه‌ای جامع دانست که بر اساس دین شکل گرفته و اهداف خاصی، از جمله انسجام و تعالی در شبکه تعاملی جامعه، را دنبال می‌کند. در این برنامه هنر و فن به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و امکانات معنوی و مادی به بهترین شکل لحاظ شده و سازماندهی و هماهنگی اجزا و فرایندهای برنامه در عالی‌ترین سطح به چشم می‌خورد که محصول آن کمال شبکه تعاملی و ارتباطی در جامعه و از جمله ویژگی‌های آن اعتماد و امنیت و صداقت است.

به نظر می‌رسد گم‌شده کارکردگرایان در حوزه جامعه‌شناسی در نظام امامت نهفته باشد. چون نظریه کارکردگرایی بر این باور است که اجزای سازنده یک جامعه نهادهایی چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب، و سازمان‌های آموزشی و پرورشی هستند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزا به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل اند و هر یک از آن‌ها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه و قابلیت و ساختمان مناسب داشته باشند و به گونه‌ای عمل کنند که با اجزای دیگر سازگار باشند. اما به نظر می‌رسد همه این خرده‌سیستم‌ها و نهادها باید به رشته و ریسمانی متصل باشند تا بتوانند سازواری و هماهنگی لازم را به دست آورند که در تعبیر

۱. چنانکه در حدیث رضوی آمده است: (إن الامامة منزلة الانبياء وإرث الاوصياء، إن الامامة خلافة الله وخلافة رسوله صلی الله علیه واله ومقام أمير المؤمنین علیه السلام وخلافة الحسن والحسین علیهما السلام) که بر موضوع جانشینی پیامبر تأکید شده است. تحف العقول، ص ۴۴۰

۲. تعبیر و تعریفی که می‌توان از آیه (و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین)، بقره، ۱۲۴ استنباط نمود و خداوند امامت را عهدی و پیمانی نامیده است که از امامان و رهبران جامعه اخذ می‌نماید.

حضرت صدیقه^(س) این رشته انسجام‌بخش و وحدت‌آفرین همان نظام طاعت و امامت اهل بیت است. در واقع، ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم سازواری (هماهنگی و وفاق) در ارزش‌های مشترک است که در تفکر شیعه همان نظام امامت نامیده می‌شود.

نکته قابل بیان آنکه اگرچه در راهبرد امامت ظرفیت‌های والایی برای انسجام و سرمایه اجتماعی جامعه نهفته است، آنچه حضرت زهرا^(س) بر آن تأکید می‌کند موضوع اطاعت و تبعیت از امامت است. یعنی جامعه زمانی به وحدت بایسته و سرمایه اجتماعی مطلوب خود خواهد رسید که مردم پیروی از امام جامعه را در دستور کار خود قرار دهند و در این صورت است که جامعه به سمت توحید و یکی شدن حرکت می‌کند؛ به قول دانشمندانی مانند ال. جی. هانی فان سرمایه اجتماعی واقعی یعنی حسن‌نیت، دوستی، حس همدردی، و مراودات اجتماعی مطلوب. شاکله راهبرد امامت بر توحید استوار است و بدون ملاحظه اصل توحید این نظام و راهبرد فرو خواهد ریخت. راز انسجام‌بخشی و سرمایه اجتماعی برخاسته از طاعت اهل بیت نیز در جوهره توحیدی آن نهفته است. یعنی امام و امامت هم جوهره و هویت خود را از خدا می‌گیرند هم به او ختم می‌شوند. یعنی آغاز و انجام و اول و آخر راهبرد امامت به توحید و خدامحوری بازمی‌گردد. چون اساساً نظام امامت (یعنی راه) و امام (یعنی راهبر) می‌آیند که انسان را به سوی خداوند دعوت کنند و این موضوع همان راز پیدایش جامعه‌ای واحد و واجد سرمایه اجتماعی است.

بر این اساس، نظریه سرمایه اجتماعی از منظر آموزه‌های حضرت زهرا^(س) امامت‌پایه است. زیرا حسب آنچه گذشت نظریه قانون و قضایای تعمیم‌یافته در جامعه‌شناسی تعریف شد که از عنصر قوام‌بخش تعلیل و رابطه علی برخوردار است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی نیز نوعی شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی تعریف شد. بر این پایه، آن عنصر قوام‌بخش و تعلیلی در نظریه سرمایه اجتماعی نظام ولایت و طاعتی است که حضرت زهرا^(س) با دقت و ظرافت بدان اشاره کرده است.

البته این سؤال ممکن است مطرح شود که آیا سخن حضرت ناظر به رابطه همبستگی است یا علیت؟ بدین معنا که متغیر طاعت اهل بیت با سرمایه اجتماعی تنها رابطه تأثیر و تأثیری (همبستگی) دارند یا رابطه علی و معلولی؟ غالباً همبستگی با علیت اشتباه گرفته می‌شود. زیرا صرف اینکه رویدادی به دنبال رویداد دیگر می‌آید یا تغییرپذیری در دو عامل و متغیر مشاهده

می‌شود بدان معنا نیست که یکی علت دیگری است. بلکه پیوند دو رویداد ممکن است اتفاقی باشد یا علی. البته گفتنی است می‌توانیم رابطه همبستگی را، در تحقیقات علوم اجتماعی، مشاهده کنیم، اما، رابطه علت را نمی‌توانیم مشاهده کنیم. به باور کارشناسان روش تحقیق، علت را باید استنباط کرد که با این همه این استنباطها لزوماً خطاپذیرند (دواس ۱۳۹۲: ۲۱ - ۲۳).



اما در سخن حضرت زهرا^(س) ظاهر کلام دلالت بر این دارد که طاعت و امامت اهل بیت علت نظام‌بخشی و خلق سرمایه اجتماعی در جامعه باشند، نه تنها رابطه‌ای از نوع همبستگی. یعنی سخن حضرت دلالت بر این ندارد که رابطه در اینجا تنها از نوع همبستگی مستقیم باشد، طوری که با افزایش متغیر طاعت متغیر وحدت و سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و علت این پدیده چیز دیگری است و ربطی به طاعت و امامت اهل بیت ندارد. چنین برداشتی دست‌کم خلاف ظاهر کلام و قواعد ادبی است و از حیث لغوی نیز مباحثی پیرامون مفهوم‌شناسی واژه «نظام» گذشت که خود می‌تواند قرینه‌ای بر وجود رابطه علی باشد نه همبستگی.

علاوه بر این، قراین و شواهد تاریخی مسلم نیز ناظر به رابطه علی نظریه است؛ طوری که با گسترش اسلام موضوع شبکه تعاملی و ارتباطی مطلوب میان جامعه اسلامی به اوج رسید. مثلاً

پیامبر^(ص) با ورودش به مدینه با ایجاد پیمان میان اوس و خزرج نوعی از سرمایه اجتماعی بی‌بدیل را رقم زد و با رشد عواطف انسانی و معیارهای دینی انسجام جامعه آن زمان را بیمه کرد. مورخ مشهور، ابن جریر طبری، نیز ظهور اسلام و اطاعت از فرامین نبوی را باعث پیدایش شکل نوینی از وحدت اجتماعی در جامعه می‌داند و می‌نویسد: «خدای عالم دین اسلام را آورد و به برکت دین اسلام الفت و برادری میان مردم برقرار کرد و تمام مردم را در گرد اسلام جمع نمود و آن‌ها را به برادری دعوت کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دو تا از قبایل بزرگ مدینه، اوس و خزرج، بودند که با آغوش باز از تاریخ اسلام استقبال کردند؛ درحالی‌که ۱۲۰ سال بین این دو قبیله جنگ و غارت حاکم بوده است.» (طبری ۱۳۹۲: ج ۴، ۶۴). در نقلی دیگر آمده است که نبی مکرم با آموزه‌ها و ایدئولوژی دینی خود و خواندن بخشی از آیات قرآن برای مردم الفت و برادری و یکپارچگی جامعه اسلامی را برای آن‌ها تشریح و تفسیر کردند و بعد از این سخنرانی برخی شیوخ و بزرگان مدینه عرضه داشتند: «یا رسول الله، آن‌چنان شرّ و فساد و اختلاف میان قوم خزرج و اوس است که در میان هیچ قومی این‌چنین آتش اختلاف شعله‌ور نیست. با این سخنان زیبا که شما بیان کردید و با این آیات قرآنی ما امیدواریم که خدای عالم به برکت تو و به برکت دین تو و قرآن تو این آتش اختلاف را میان این دو قوم خاموش کند و میان آن‌ها الفت برقرار کند.» (ابن حجر ۱۴۰۲: ج ۷، ۱۷۲؛ حاکم نیشابوری ۱۴۰۶: ج ۳، ۲۲۵).

این جریان تاریخی هم به‌وضوح نشان می‌دهد که نقش رهبری پیامبر اسلام و اطاعت از فرامین و دستورهای او نقشی علی و پدیده‌ساز در رشد انسجام و سرمایه اجتماعی بود و نمی‌توان بدیلی برای آن در گستره تاریخ اسلام پیدا کرد. بنابراین، اعتبار نظریه جامعه‌شناسی وحدت دست‌کم از دو بعد قابل توجه است:

۱. بعد اسنادی آن، که طبق پیش‌فرض مقاله و باور شیعه اسنادی مانند سخنان فاطمه زهرا^(س) اسنادی حجیت‌بخش و معتبر قلمداد شده و ریشه در عصمت اهل بیت پیامبر^(ص) دارد.
۲. بعد تاریخی آن، که به نقش بی‌بدیل آموزه‌های اسلامی و رهبری نبوی در پیدایش وحدت و سرمایه اجتماعی در بسیاری از منابع معتبر و مشهور تاریخی تصریح و تأکید شده است.

نتیجه

یکی از وجوه مهم نقش‌آفرینی دین و آموزه‌های دینی در عرصه جامعه‌شناسی و پدیده‌های اجتماعی است. یکی از این عرصه‌ها نظریه‌پردازی است؛ یعنی نظریه‌های جامعه‌شناسانه، مانند نظریه سرمایه اجتماعی، چه از حیث نظریه بودن چه از حیث تبیین نظریه، بیش از هر چیز نیازمند تبیین‌های وحیانی دین است. بنای نوشتار حاضر پارادایم تشنگی علوم اجتماعی به آموزه‌های دینی است. بنابراین آموزه‌های دینی می‌تواند نقش راهبردی در تولید نظریه‌های اجتماعی در دو معنای آن داشته باشد. چون در نظریه به معنای خاص کلمه نظریه ناظر به روابط و قواعد منطقی با یک‌دیگر و در ارتباط و شامل گزاره‌هایی است که بیانگر رابطه علت و معلولی پدیده‌هاست. در معنای دوم هم نظریه جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد. سیری گذرا در آموزه‌های دینی حکایت از نقش پررنگ آموزه‌های شیعی در هر دو معنا از نظریه دارد.

یکی از نظریه‌هایی که از آموزه‌های شیعی، به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا^(س)، به دست می‌آید نظریه سرمایه اجتماعی امامت‌پایه است که هم‌سو با جامعه‌شناسی سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود. نظریه سرمایه اجتماعی قضایای تعمیم‌یافته در شبکه تعاملی مطلوب اجتماعی تعریف شده که از یک عنصر قوام‌بخش تعلیلی برخوردار است. آن عنصر تعلیلی قوام‌بخش در نظریه اجتماعی مقوله سترگ امامت و ولایت است که در خطبه حضرت چنین نمود دارد: «فجعل الله ... طاعتنا نظاما للملة و إمامتنا أمانا من الفرقة»؛ خداوند پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظام اجتماعی در امت اسلامی و رهبری ما را عامل در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است. حسب این فراز کمال تحقق سرمایه اجتماعی در میان مردم و خرده‌سیستم‌های جامعه معلول قوام امامت و تحقق لوازم برخاسته از آن، مانند اطاعت، است.

بر این اساس، از منظر حضرت صدیقه، این تبعیت و اطاعت از اهل بیت است که می‌تواند ارکان اسلام و پیکره جامعه اسلامی را انسجام و ارزش بخشد. با نگاه راهبردی‌شناسانه به امامت، می‌توان آن را نظام و برنامه‌ای جامع دانست که بر اساس دین شکل گرفته است و اهداف خاصی را، از جمله انسجام و تعالی در شبکه تعاملی جامعه، دنبال می‌کند. در این برنامه هنر و فن

به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و امکانات معنوی و مادی به بهترین شکل لحاظ شده و سازماندهی و هماهنگی اجزا و فرایندهای برنامه در عالی‌ترین سطح به چشم می‌خورد که محصول آن کمال شبکه تعاملی و ارتباطی در جامعه و از جمله ویژگی‌های آن اعتماد، امنیت، و صداقت است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۰۲ ق). *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۲ ق). *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق). *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه.
- ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین (۱۳۸۶ ش). *النجاة فی القيامة*، تهران، مؤسسه بعثت‌اشرف گنجوی، مسعود (۱۳۸۶ ش).
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳ ش). *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید.
- اشرف گنجوی، مسعود، *نظریه در جامعه‌شناسی*، روزنامه ایران، شماره ۳۸۱۱ به تاریخ ۸۶/۹/۲۲، ص ۱۰.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۶۸ ش). *مدیریت عمومی*، تهران، نی.
- الوانی، سید مهدی؛ میرعلی سیدنقوی (۱۳۸۱ ش). «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، د ۹، ش ۳۳ و ۳۴، صص ۹ - ۲۶.
- پوررستمی، حامد (۱۳۹۶ ش). «درآمدی بر نظریه اشراف در علوم انسانی اسلامی»، *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۷.
- پورسیدآقایی، سید مسعود (۱۳۸۹ ش). *دین و نظام‌سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری*، قم، *لیلة القدر*.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷ ق). *الصحاح*، تحقیق: احمد عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
- حاکم نیسابوری، محمد (۱۴۰۶ ق). *مستدرک علی الصحیحین*، بیروت، *دار المعرفة*.
- حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۲ ق). *نور الثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- دیوید، دواس (۱۳۹۲ ش). *طرح تحقیق در تحقیقات اجتماعی*، مترجم: هوشنگ نایبی، تهران، آگه.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۲۶ ق). *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بی‌جا، *طلیعة النور*.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۴ ش). *کندوکاوها و پنداشت‌ها*، تهران، انتشارات سهامی.

ریتزر، جورج (۱۳۸۹ ش). *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، محسن ثلاثی، تهران، علمی.
ریمون، بودون؛ فرانسس بوریکو (۱۳۷۴ ش). «نظریه در جامعه‌شناسی»، مترجم: محمدعزیز بختیاری،
معرفت، ش ۱۵.

طبرسی، احمد بن علی (۱۳۶۸ ق). *الاحتجاج*، نجف، دار النعمان.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۲ ق). *جامع البیان عن تأویل ای القرآن*، بیروت، **دار المعرفة**.
عبدالجبّار معتزلی (۱۹۶۵ م). *شرح الاصول الخمسه*، قاهره، مکتبه وهبه.
علم‌الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰ ق). *الشافی فی الامامة*، تهران، مؤسسه الصادق.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی‌جا، مؤسسه*
دار الهجرة.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷ ش). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نی.
کوزر، لویس (۱۳۸۶ ش). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، تهران، علمی.
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶ ش). *جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نی.
مصطفوی، حسن (۱۳۷۴ ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، ج ۱۱.

_____ (۱۳۷۵ ش). *جهان‌بینی توحیدی*، تهران، صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ ش). *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۲.
نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۸ ق). *الغیبه*، تحقیق: فارس حسون، قم، آسیانا.
وبر، ماکس (۱۳۷۳ ش). *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، مترجم: پریسا منوچهری‌کاشانی و
عبدالکریم رشیدیان، تهران، نی.
هرسی، پال؛ کنت بلانچارد (۱۳۷۹ ش)، *مدیریت رفتار سازمانی*، مترجم: علاقه‌بند، تهران، امیرکبیر.

References

- The Holy Quran
Nahjulbalaghah
Abdul-Jabbar Mu'tazil, (1965). *Sharh al-Osul al-Khamseh*, Cairo, Wahba School, first
edition. (in Persian)
Alvani, Seyed Mehdi (1989). *General Management*, Tehran, Ney Publishing. (in Persian)
Alvani, Seyed Mehdi; Seyed Naqavi, Mir Ali (2002). "Social Capital, Concepts and

- Theories”, Management Studies (Improvement and Transformation), Article 1, Vol. 9, NO. 33 & 34, pp. 9-26. (in Persian)
- Ashouri, Dariush (1994). *Political Encyclopedia*, Tehran, Morvarid. (in Persian)
- Ashraf Ganjavi, Massoud (2007). *Theory in Sociology*, Iran Newspaper. (in Persian)
- Coleman, James (1998). *Foundations of Social Theory*, Manouchehr Sabouri, Tehran, Ney Publishing. (in Persian)
- Coser, Lewis (2007). *Life and Thought of Sociological Elders*, Mohsen Thalasi, Tehran, Scientific. (in Persian)
- Devas, David (2013). *Research Project in Social Research*, translated by Houshang Naebi, Tehran, Agha Publishing. (in Persian)
- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1409 AH). *Al-Ein*, Research: Mehdi Makhzoumi - Ibrahim Samaraei, Dar Al-Hijra Institute. (in Persian)
- Foley, M. W. & B. Edwards (1997). “Escape from politics? Social theory and the social capital debate”, *American Behavioral Scientist*, 40(5): pp. 550-561.
- Giddens, Anthony (1997). *Sociology*, Manouchehr Sabouri (translator), Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Hakim Nisabouri, Mohammad (1406 AH). *Mustadrak on Al-Sahihein*, Beirut, Dar Al-Ma'rifah. (in Persian)
- Hanifan, L. J. (1916). “The rural school community center”, *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 67: pp. 130-138.
- Hersey, Paul & Kenneth Blanchard (2000). *Organizational Behavior Management*, translated by Alaghband, Tehran, Amirkabir. (in Persian)
- Hoveizi, Ali Ibn Jumah (1412 AH). *Noor al-Thaqalin*, research: Seyyed Hashem Rasooli Mahallati, Qom, Ismailian Institute. (in Persian)
- Ibn Faris, Ahmad (1422 AH). *Maqaiis Al loqah*, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Torath Al-Arabi. (in Persian)
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad (1402 AH). *Fatholbari in explanation of Sahih Al-Bukhari*, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Torath Al-Arabi. (in Persian)
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Mokram (1405 AH). *Lesan Al-arab*, Qom, publishing the literature of the seminary. (in Persian)
- Ibn Maysam Bahrani, Kamaluddin (2007). *Al-Najat in Al-Qiyamah*, Tehran, Besat Institute. (in Persian)
- Ibn Shuba Harrani, Hassan (1404 AH). *Tohaf Al-uqul*, Qom, Islamic Publishing Institute. (in Persian)
- Johari, Ismail (1407 AH). *Al-Sahah*, research: Ahmad Attar, Beirut, Dar al-elm for the people. (in Persian)
- Mostafavi, Hassan (1995). *Al- tahqiq*, (Research) in the words of the Holy Quran, Vol. 11, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Motahari, Morteza (1996). *Monotheistic worldview*, Tehran, Sadra. (in Persian)
- Motahari, Morteza (2007). *Collection of Works*, Vol. 2, Tehran, Sadra. (in Persian)
- Nu'mani, Muhammad ibn Ibrahim (1428 AH). *Al-Ghaybah*, research: Fars Hassoun, Qom, Asia. (in Persian)
- Portes, A. (1998). "Social Capital: Its origins and applications in modern sociology", *Annual Review of Sociology*, 24:pp. 1-24.

- Pourrostami, Hamed (2017). "An Introduction to the Theory of "Ashraf" in Islamic Humanities", *Quarterly Journal of Fundamental Research in Humanities*, No. 7. (in Persian)
- Poursaiid Aghaei, Seyed Massoud (2010). *Religion and System making from the Perspective of Professor Ali Safaei Haeri*, Qom, Laylah al-Qadr Publications. (in Persian)
- Rafipour, Faramarz (1374). *excavations and ideas*, Tehran, public Publications. (in Persian)
- Ragheb Isfahani, Hussein (1426 AH). *Al- mofradat of Quranic words*, research: Safwan Adnan Davoodi, Talieh Al-Noor. (in Persian)
- Raymond Budon & Francis Borico (1995). "Theory in Sociology", translated by Mohammad Aziz Bakhtiari, *Maaref Quarterly*, No. 15. (in Persian)
- Ritzer, George (2010). *Theories of Contemporary Sociology*, Mohsen Thalasi, Tehran, Elmi. (in Persian)
- Sayyid Morteza (1410 AH). *Al-Shafi in Al-Imamah*, Tehran, Al-Sadiq Institute. (in Persian)
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1392 AH). *Jame Al-bayan (comprehensive statement) on the interpretation of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Ma'rifah. (in Persian)
- Tabarsi, Ahmad Ibn Ali (1989 AH). *Al- ehtejaj*, Najaf, Dar al-Nu'man. (in Persian)
- Weber, Max (1994). *Protestant Ethics and the Spirit of Capitalism*, translated by Parisa Manouchehri Kashani, Abdolkarim Rashidian, Tehran, Ney Publishing. (in Persian)